

رویکردی راهبردی به مفهوم مصلحت (مطالعه موردی معاهده صلح حدیبیه)

محمدباقر خرمشاد*

آرزو مجتهدی**

چکیده

همان‌گونه که در اسلام براساس نیازهای فردی، احکام ثابت و متغیری مشخص شده است در حوزه احکام و اختیارات حکومتی و برای اداره جامعه براساس شرایط زمان و مکان نیز قلمرو احکام وجود دارد. در این میان جایگاه «مصلحت» به‌عنوان حلال بحران‌ها در شرایطی که با پدیده تزاخم مصلحت‌ها مواجه هستیم یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در حکومت دینی است، به‌ویژه در عقد معاهدات که حکومت می‌بایست با توجه به مادیات و معنویات، مصلحت کمتر را فدای مصلحت بااهمیت‌تری نماید. به نظر می‌رسد سیره عملی رسول اکرم (ص) در عقد معاهدات صدر اسلام، می‌تواند پاسخی مناسبی برای این مسئله باشد. بنابراین در رویکرد راهبردی به مصلحت در صلح حدیبیه این دو پرسش مطرح است: مصلحت مستخرج در اقدام به مذاکره در معاهده حدیبیه چه بوده و چه ضوابطی را پیامبر (ص) در این معاهده اعمال کرده است؟ از مطالعه و تحلیل معاهده صلح حدیبیه به‌عنوان مهم‌ترین معاهده حکومت نبوی با روش هرمنوتیک شلایرماخر که روشی تحلیلی-تاریخی است، این پاسخ به دست آمد: «مصلحت» در این معاهده امری بوده است که بر مبنای اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی و با توجه به مسئله اهم و مهم، موقتاً در شرایط حدیبیه اتخاذ شده و مذاکره با مشرکان با توجه به همین شرایط وقت، راهبردی‌تر از مبارزه بوده و ضوابط حاکم بر این معاهده عبارت است از: ۱- با پیشنهاد دشمن و از ناحیه قدرت باشد. ۲- قطعاً باعث توقف جنگ و کشتار شود. ۳- بر طرف‌کننده تحریم‌ها و تأمین‌کننده امنیت و آزادی مسلمین باشد. ۴- بیشترین امتیاز را با کمترین هزینه نصیب مسلمین کند. ۵- راه هرگونه بهانه جویی را بر دشمن ببندد. ۶- راه بازگشت را در صورت عهدشکنی دشمن فراهم سازد.

واژه‌های کلیدی: مصلحت، رویکرد راهبردی، پیمان صلح حدیبیه، هرمنوتیک، شلایرماخر، معاهدات، حکومت اسلامی

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران (نویسنده مسئول)

Mb.khorramshad@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه علامه طباطبائی

Ar.s.mojtahedi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره نودوچهار، بهار ۱۳۹۹، صص ۶۶-۳۵

مقدمه

برقراری حکومت اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) براساس «بنیادهای دینی شیعی» در روزگار پُرچالش نظریه‌های سیاسی غرب، به واسطه دیدگاه نو مطرح شده در آن، تحولی چشمگیر در عرصه سیاست به وجود آورد که شاید بتوان آن را درزمینه سیاست عملی در عصر غیبت امری بدیع دانست. این موفقیت که به‌رغم گستردگی تبلیغات منفی علیه آن، به گسترش تفکر اسلامی شیعی و انقلابی آن منجر شده است، با مقاومت قدرت‌های بزرگ جهانی مواجه و دشمنان را بر آن داشته است با استفاده از تمامی امکانات و ابزارها برای فروپاشی آن اقدام کنند. خصوصاً در سال‌های اخیر به علت روند فزاینده پیشرفت‌های علمی، نظامی و نفوذ فرهنگ مقاومت آن در میان مستضعفان منطقه و جهان، دستگاه سلطه جهانی با فشار حداکثری و اعمال تحریم‌های ظالمانه، می‌کوشد معاهداتی را تحت عناوین خیرخواهانه و بشردوستانه، تحمیل کند تا از این طریق نظام جمهوری اسلامی را از پای درآورده، آن را نزد افکار عمومی جهان یک حکومت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ورشکسته نشان دهد.

گرچه مذاکرات و تلاش‌های دیپلماتیک برای حل مشکلات کشور در شرایط طبیعی راهکار مؤثری است اما در موقعیت ویژه‌ی ایران با دشمنی‌هایی از نوع ایدئولوژیک و براندازانه، اینکه مذاکره و پذیرش معاهدات بین‌المللی دو یا چندجانبه تا چه حد کمک‌کننده و برطرف‌کننده مشکلات می‌باشد، گاه محل تردید و این نقطه مواجهه حکومت اسلامی با مفهوم «مصلحت» است.

به‌طور کلی در همه نظام‌های سیاسی جهان، تعریف «مصلحت» محل اختلاف

بوده و تعریف واحدی از آن ارائه نمی‌شود، اما اصل مهم این است که حکومت‌ها بتوانند با در نظر گرفتن همه اختلافات و مؤلفه‌های گوناگون درست‌ترین تصمیم را اتخاذ کرده و پیاده سازند. این امر در جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک حکومت ایدئولوژیک (شیعی) که در تصمیم‌گیری‌ها دارای چارچوب و قواعد الهی است، دشوارتر و در بحث معاهدات پیچیده‌تر می‌شود؛ چراکه روابط خارجی دولت اسلامی با بیگانگان، با «قاعده نفی سبیل»^(۱) به‌عنوان یک اصل فقهی گره خورده و این قاعده نقش تأثیرگذاری بر رفتار، تصمیمات و سیاست‌های کلان نظام اسلامی دارد. از این‌رو بحث مصلحت دارای اهمیت بوده و در موضوعی مانند معاهدات با این سؤالات مواجه است: آیا مذاکرات و پذیرش معاهدات در حکومت دینی می‌تواند تابع مصلحت باشد یا خیر؟ و اگر تابع مصلحت است، ضوابط حاکم بر این معاهدات چیست؟ و این مسئله اصلی نوشتار حاضر است.

«مصلحت» در میان اهل سنت بنا به اعتقاد به وجود خلأ حکم و الگو در موضوعات مختلف، تحت‌عنوان «مصلح مرسله» به معنای مصلحتی که دلیلی برای رد یا قبول آن وجود ندارد، تعریف و راهبردی شده است (صرامی، ۱۳۷۳: ۶۵) اما شیعه، به واسطه اعتقاد به جامعیت دین و الگوپذیری در بحث امامت، وجود حوزه و فضای خالی از حضور خدا را غیرممکن می‌داند؛ بنابراین «مصلحت» نیز همانند سایر موضوعات، در حوزه‌ای خارج از قلمرو پنج‌گانه احکام (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) قرار نمی‌گیرد (الهامی‌نیا، ۱۳۸۰: ۱۲۰). مصلحت می‌تواند در یکی از حوزه‌های «متعین»، «متخیر» و «انتخابی» واقع شود. «مصلح متعین» در حوزه وجوب و حرمت، «مصلح متخیر» در حوزه استحباب و کراهت و «مصلح انتخابی» در حوزه اباحه یا مباحات توصیف می‌شوند؛ یعنی اگر امری در دو حوزه «مصلح متعین» و «مصلح متخیر» نباشد قطعاً می‌بایست در حوزه «مصلح انتخابی» قرار بگیرد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۹۰-۹۲). با این تفصیل در موضوع معاهدات، معاهده‌ای که در این سه حوزه قرار نگیرد، مصلحت نبوده و امری براساس منافع گروهی یا فردی است در نتیجه این معاهده از لحاظ شرع قابل پذیرش نیست.

اهمیت این موضوع در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حکومت مردم سالار دینی، هنگام اخذ تصمیمات مهم در عرصه بین المللی دوچندان می شود، در حالی که متأسفانه مبانی و مؤلفه های تشخیص مصلحت به عنوان عامل تعیین کننده جهت گیری ها و اعلام تصمیمات، دچار اختلاف است. در گذشته در مسائلی همچون تسخیر سفارت امریکا، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و امروز در مسائلی همچون حضور مستشاری در سوریه یا پذیرش معاهداتی نظیر برجام، اینستکس، اف ای تی اف و... تفاوت ها در مبانی تشخیص مصلحت در موضع گیری های متفاوت سطوح مختلف نظام، خود را نشان داده است.

از آنجا که خداوند متعال برای حل اختلافات پیروی از شیوه و سنت پیامبر (ص) را معرفی می کند (احزاب/۲۱؛ تفسیر اثناعشری، ج ۱۰: ۴۲۷) به نظر می رسد یکی از راه حل های برطرف کردن اختلافات بحث «مصلحت»، بهره گرفتن از یک الگوی اسلامی و مراجعه به معاهدات پیامبر (ص) است. در میان همه معاهدات، معاهده صلح حدیبیه را می توان به عنوان یک تصمیم سرنوشت ساز که شخص پیامبر بدون دریافت وحی و با وجود موافقان و مخالفان داخلی و خارجی آن را تنظیم و امضا کرده است (کاظمی نسب، ۱۳۹۵: ۱۰۷)، مهم ترین معاهده سیاسی صدر اسلام دانست و در رویکرد راهبردی به مصلحت در صلح حدیبیه این دو پرسش را مطرح کرد: مصلحت مستخرج در اقدام به مذاکره در معاهده حدیبیه چه بوده و چه ضوابطی را پیامبر (ص) در این معاهده اعمال کرده است؟ فرضیه مطرح شده در پاسخ به این دو پرسش این است: «مصلحت» در این معاهده امری بوده است که بر مبنای اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی و با توجه به مسئله اهم و مهم، در شرایط حدیبیه موقتاً انتخاب شده و مذاکره با مشرکان با توجه به همین شرایط وقت، راهبردی تر از مبارزه بوده و ضوابط حاکم بر این معاهده عبارت است از:

۱- با پیشنهاد دشمن و از ناحیه قدرت باشد.

۲- قطعاً باعث توقف جنگ و کشتار شود.

۳- بر طرف کننده تحریم ها و تأمین کننده امنیت و آزادی مسلمین باشد.

۴- بیشترین امتیاز را با کمترین هزینه نصیب مسلمین کند.

۵- راه هرگونه بهانه‌جویی را بر دشمن ببندد.

۶- راه بازگشت را در صورت عهدشکنی دشمن فراهم سازد.

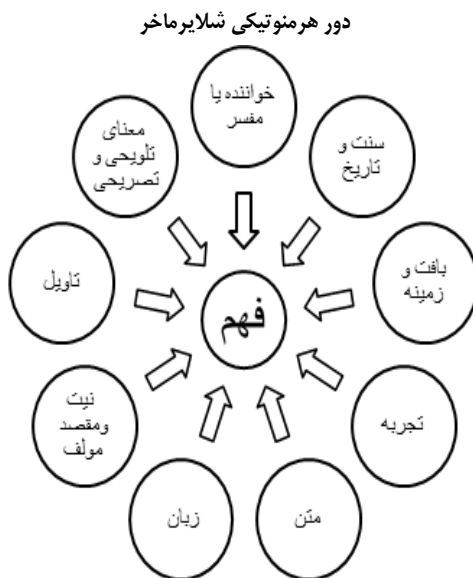
با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه «مصلحت» در حکومت‌ها، پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده است که ذکر نام تمامی آن‌ها در این مقاله میسر نیست، اما کتبی نظیر «مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی» نوشته «اصغر افتخاری» یا «حکومت و مصلحت» نوشته «محمدناصر تقوی» که با رویکردی فقهی براساس نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) بدان پرداخته‌اند یا مقاله «احکام حکومتی و مصلحت»، سیف‌الله صرامی، جزء پژوهش‌های ارزنده در این موضوع هستند. درخصوص صلح حدیبیه تعداد محدودی از آثار به بررسی سیاسی این واقعه پرداخته‌اند. مقاله «دیپلماسی نبوی، استراتژی پیامبر در صلح حدیبیه» نوشته حسن بادران و «بررسی استراتژی پیامبر اعظم (ص) در صلح حدیبیه براساس تحلیل سوات» نوشته حسین فخاری و ناصر برخوردار، نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها هستند.

این نوشتار می‌کوشد مصلحت را با مطالعه تحلیلی- تاریخی به عنوان یک معاهده مصلحت‌گرایانه با رویکردی راهبردی در جهت کاربرد در جمهوری اسلامی برای مواجهه با دشمنان و انعقاد معاهدات، فهم نماید. این شیوه فهم وابسته به تفسیر است تا با نفوذ در بطن و حضور تاریخی در درون واقعه حدیبیه و متن این معاهده، به پرسش‌های مطرح‌شده، پاسخ دهد.

«هرمنوتیک شلایرماخر» روشی تفسیری است که به نیت مؤثرین یک واقعه از طریق تحقیق در افکار و زندگی فاعلان (در این نوشتار، پیامبر (ص)) و شناخت درست شرایط اجتماعی و پیرامونی آنان تأکید می‌کند. در حقیقت با شناخت اندیشه، فردیت و ذهنیت فاعل، می‌توان تفکر او را بازسازی کرد.

امکان این بازسازی را دور هرمنوتیک به مفسر می‌دهد (نیکویی، ۱۳۸۶: ۴۴)؛ یک فرایند رفت‌وبرگشت که فهم کل را بر اساس فهم اجزا میسر می‌کند. این اجزا عبارتند از:

- ۱- سنت و تاریخ: شناخت منظومه‌ای که متن یا فعل در آن جای دارد، بعد تاریخی مفسر با پدیده مورد نظر را که سبب درک ناصحیح از شرایط می‌گردد، از میان برمی‌دارد.
- ۲- بافت و زمینه: مفسر با قرار دادن خود به جای دیگری بدون آنکه محیط پیرامون او را تجربه کرده باشد، فضای زندگی وی را بازسازی کرده تا علت فعل و عملش را بفهمد.
- ۳- تجربه: بررسی تجربیات و اقدامات عامل فعل در شرایط مختلف یا مشابه کمک می‌کند مفسر با ذهنیت مناسب به اصل پدیده ورود پیدا کند.
- ۴- متن: نماد باقی مانده از یک فعل است که بررسی مراحل و شرایط قبل، حین و پس از شکل‌گیری آن رکن مهمی از تفسیر است.
- ۵- زبان: توجه به زبان و تفسیر زبانی متن، یکی از عوامل فهم و کشف نیت عامل است.
- ۶- نیت و مقصود مؤلف: بازسازی تمامیت ذهنی فاعل برای فهم عمیق یک فعل، نیازمند درک دقیق شرایط روحی، ذهنی و به‌طور کلی جهان درون فاعل است. به کاربردن روش، همدلی یا درک دیگری، بخشی از اجزای فهم است.
- ۷- معنای تلویحی و تصریحی: ارائه یک تفسیر اولیه از نیت فاعل براساس اجزای دیگر.
- ۸- تأویل: درک واقعیت‌های موجود در زمان وقوع فعل.
- ۹- نظر مفسر یا خواننده متن: باید در انتهای فهم به یک نظریه عمومی و کلی رسید. گرچه فهم با نفوذ در دنیای فاعل و شناخت شرایط زمانی و مکانی، همچنین کندوکاو در ذهنیت و کنار گذاشتن عناصر محیطی و ذهنی او در کنار هم به دست می‌آید اما برای ارائه نظریه جامع و فراگیر، اطلاع از سایر نظریه‌ها در آن فعل بسیار کمک‌کننده خواهد بود.



با توجه به این ۹ مؤلفه دور هرمنوتیکی (نیکویی، ۱۳۸۶: ۵۳)، تحلیل و تفسیر برای فهم مصلحت در اقدام به مذاکره پیامبر(ص) و ضوابط حاکم بر معاهده صلح حدیبیه انجام شد.

۱. چارچوب مفهومی

۱-۱. رویکرد راهبردی

رویکرد، جهت‌گیری نسبت به موضوعی خاص و به‌طور کلی، مشخص‌کننده سمت‌وسوی حرکت در تنظیم برنامه‌ها است. چنانچه این جهت‌گیری در راستای اجرای برنامه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر باشد تحت‌عنوان رویکرد راهبردی یا تاکتیکی قرار می‌گیرد. در حقیقت رویکرد راهبردی ارائه طرح بلندمدت با بررسی نقاط قوت و ضعف برای داشتن یک رهبری یا مدیریت مؤثر در میان تمامی تهدیدها و خطرات بیرونی در یک جامعه یا مجموعه است (کیانی، ۱۳۸۱: ۴۹). این رویکرد با توجه به کجایی و حرکت در مسیر رسیدن به هدف، به‌دنبال ایجاد یک برنامه توانمندسازی با استفاده از عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناسی برای غلبه بر موانع و مشکلات پیش‌روست.

۱-۲. مصلحت

در تعریف «مصلحت»، مصدر از ماده (ص ل ح) بر وزن (مفعله)، با توجه به ریشه لغوی آن «صلاح» به معنای «خیر»، «سود» و «منفعت» آمده است (ملکی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۴۴۴). همچنین با توجه به اصطلاح «تعرف الاشیا باضدادها» اشیا با ضد خود شناخته می‌شوند، به عنوان «ضد فساد» تعریف می‌شود؛ بنابراین اگر «فساد» را خارج شدن چیزی از حد اعتدال در نظر بگیریم، «مصلحت» چیزی است که باعث اعتدال شود (صادقی، ۱۳۹۲: ۱). به طور کلی «مصلحت به معنی خیر و نیکی که مفرد مصالح است به کاررفته و مخالف تباه کردن و فساد است»، معنا می‌شود (ابن منظور، ج ۲: ۵۱۷).

۱-۳. مصلحت در اسلام

در دین، بر اساس نیازهای ثابت و متغیر انسان‌ها، احکام به دو شعبه ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند و مصالح مندرج در قوانین دین و از ناحیه شارع مشخص شده‌اند (الهامی نیا، ۱۳۸۰: ۱۱۹-۱۲۰). از آنجاکه شارع با توجه به رفتارهای انسانی، در جعل احکام گستره مادیات و معنویات را توأمان در نظر داشته است، بر سعادت دنیا و آخرت هم توأمان تأکید می‌کند، لذا در امر «مصلحت» نیز می‌بایست پیامدهای دنیوی و پیامدهای اخروی هر دو مورد توجه قرار بگیرد. یعنی «مصلحت» در جامعه اسلامی، مصلحتی است که هم مربوط به حسنه دنیای مردم باشد و هم مربوط به حسنه آخرت‌شان. از این رو اگر چیزی به سود دنیای انسان باشد، ولی به آخرتش آسیب برساند، مصلحت نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۶۶) درست نقطه مقابل مصلحت در نظام سیاسی غرب که براساس نظر ماکیاولی^(۱) و عقل محوری که اساس بقای انسان را صرفاً متوجه رفاه مادی می‌داند. نظام‌هایی که رهایی از دستورات دینی را به عنوان اصل پیشرفت و تکامل در دستور کار خود قرار داده و رشد خود را در گروه آزادی‌های اقتصادی، فرهنگی و... می‌بینند (میرمعزی، ۱۳۹۷: بی‌جا؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۳ و ۱۴۲؛ احمدی راد، ۱۳۸۸: ۱۷).

در اندیشه شیعه عقل به تنهایی نمی‌تواند ملاک عمل باشد تصمیمات می‌بایست یا بر اساس احکام شارع و یا با استنباط از فرامین الهی در چارچوب

دین باشد (تفسیر اثنا عشری، ج ۲: ۴۸۳، طباطبائی، ۱۳۹۶: ۶۱۸)؛ از این رو مصلحت بر سه نوع مصالح متعین، مصالح متخیر و مصالح انتخابی قابل تقسیم (افتخاری، ۱۳۸۴: ۵۳) و به این معنا است که تحت عنوان مصلحت نمی توان از محدوده مرزبندی شده دین خارج شد (امام خمینی، صحیفه نور: ۹-۸ و ۲۸-۲۹) یا به عنوان حکم مصلحتی با تغییر یا تعطیلی یک حکم قانون جدیدی در مقابل قانون الهی وضع نمود و یا حتی قانون ثابتی را نادیده انگاشت. بلکه منظور از «مصلحت» این است که با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی و رعایت مصالح اسلام، یک حکم شرعی جایگزین حکم دیگر شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۱۵)

تعریف ابتدایی این نوشتار از «مصلحت»، با نگاهی به مصالح متعین، متخیر و انتخابی، در واقع همان تشخیص صلاح و فساد امور توسط حاکم برای رساندن جامعه به حیات معقول با انتخاب میان حکم مناسب از میان احکام الهی مرتبط با موضوع است.

۱-۴. جنگ و صلح در اسلام

آیات جنگ و صلح در قرآن بیانگر این نکته مهم است که حکم هر کدام کاملاً منوط به شرایط یعنی تابع آن اثری که از آنان گرفته می شود، می باشد؛ این شرایط در قرآن به خوبی تبیین شده است (یوسفیان و مؤدب، ۱۳۹۴: ۹۴-۱۰۳).

۱-۴-۱. صلح: اسلام موافق صلحی است که پایدار و قطع کننده ریشه های جنگ (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۰۸) اما تابع شرایطی خاص باشد (نساء/۹۰): اول اینکه مسلمین در موضع قدرت بوده و دشمن برای ترک جنگ اراده داشته باشد و پیشنهاد صلح حتماً از جانب دشمن باشد. (افتخاری، محمدی سیرت، ۱۳۹۲: ۶۷؛ سلطانی، ۱۳۸۸: ۸۱). دوم اینکه طبق قاعده نفی سبیل پذیرش صلح سبب پذیرش استبداد کفار و از میان رفتن عزت و استقلال مسلمین نشود (محمد (ص)/۳۵؛ انفال/۶۱؛ افتخاری، محمدی سیرت، ۱۳۹۲: ۶۷؛ سلطانی، ۱۳۸۸: ۸۶).

۲-۴-۱. جنگ: جنگ مشروع در اسلام «جهاد» نام دارد (ابن منظور، ۱۹۹۶م، ج ۳: ۱۳۳؛ مسعود، ۱۳۹۲، ج ۱: ۶۳۲) و در چارچوب و ضوابط مشخصی تعیین شده است (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۴: ۱۸). در اصل اسلام برای ایجاد امنیت جامعه،

احقاق حقوق پایمال شده و اعاده آزادی‌های سلب شده، جنگ را نه تنها مجاز بلکه امری مقدس می‌داند (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۳).

در اسلام اصالت بر دعوت توحید و جنگ و صلح ابزار آن است (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۲۱) گرچه در حوزه روابط مسلمانان با غیرمسلمانان اصل بر رابطه مسالمت‌آمیز و صلح قرار می‌گیرد (فقیهی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱ و ۱۸؛ خزائی، ۱۳۹۳: ۱۰۷) اما در رابطه با دشمنی که آشکارا چه در عمل و چه در لفظ اعلام دشمنی می‌کند، اصالت با جنگ (سلطانی، ۱۳۸۸: ۷۰-۷۱) و صلح یک حکم موقت (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۴: ۱۳) و کاملاً وابسته به شرایط است.

۵-۱. معاهده

«معاهده» واژه‌ای عربی از ریشه «عهد»، به معنای رعایت کردن و نگاه داشتن است. معادل فارسی آن را پیمان یعنی قول و قسم می‌دانند. در اصطلاح، «معاهده» را پیمانی دوطرفه یا چندطرفه تعریف می‌کنند که مکتوب و لازم‌الاجراست. دو اصل کتبی بودن و لازم‌الاجرا بودن از ویژگی‌های مهم معاهدات است. این توافق مکتوب مشمول حقوق مورد توافق طرفین است که در عرصه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل مورد وفاق همه می‌باشد (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۵ و ۶).

۲. تحلیل راهبردی «مصلحت» در صلح حدیبیه براساس تفسیر هرمنوتیک شلایرماخر

معاهده صلح حدیبیه جزء نخستین متون سیاسی کتبی است که در صدر اسلام باوجود برخی اعتراضات شکل یافت (واقدی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۶۲)، زیرا نص صریح برای پذیرش آن وجود نداشت و تعدادی از مسلمین آن را خوارکننده و برانکار آن اصرار داشتند. با این شرایط، فهم رویکرد مصلحتی پیامبر در حدیبیه، می‌تواند الگوی مناسبی در بحث معاهدات باشد. گرچه از این معاهده همانند صلح امام حسن (ع)، به‌عنوان یک نرمش قهرمانانه نام برده می‌شود (کاظمی‌نسب، ۱۳۹۵: ۹۱؛ رجبی دوانی، ۱۳۹۲: بی‌جا)؛ اما بهتر است برای فهم مصلحت نهفته در نیت و هدف پیامبر در این رویکرد راهبردی مصلحتی به‌عنوان نرمش قهرمانانه که

به معنای حرکت درست و منطقی در دیپلماسی با حفظ اصول و آرمان های نظام است (یوسفیان، مؤدب، ۱۳۹۴: ۹۲)، معاهده در قالب ۹ مؤلفه دور هرمنوتیکی شلایرماخر بازسازی و شرایط صلح درک شود.

۲-۱. سنت و تاریخ: سنت های تاریخی عصر جاهلیت

پیش از ظهور اسلام، در عصر جاهلی، نظام قبیلگی کهن ترین ساخت اجتماعی و قبیله اولین و مهم ترین واحد اجتماعی - سیاسی مستقل شناخته می شد (برزگر، ۱۳۸۳: ۸۷ و ۹۰؛ شهیدی، ۱۳۹۳: ۳۴) و جامعه جاهلی بدون دولت و بدون قانون بدون تنها در پناه سنت ها اداره می شد (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۷). در این شرایط مناسبات نظام قبیلگی متأثر از چهار مؤلفه تعصب، تعدد، تعدی و تعهد بود.

۲-۱-۱. تعصب: گرچه «سرزمین» و «نژاد» عامل اصلی شکل گیری قبیله هستند (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۸) اما عامل تداوم و بقای آن عنصری به نام «عصیت» (آئینه وند، ۱۳۹۱: ۴۷) و تمامی تصمیمات رئیس قبیله متأثر از عصیت و تخطی از آن غیرقابل باور بود (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

۲-۱-۲. تعدد: در نظام قبیله ای مبتنی بر تعصب، هر قبیله به واسطه غرور و برتری طلبی، در پرستش در عین وحدت اعتقاد به بت، دارای کثرت (انواع بت) بودند. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۳۲؛ جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

۲-۱-۳. تعدی: در مناسبات میان قبائل، جنگ عامل تعیین کننده و جنگ جویی مشهودترین خصلت عرب جاهلی و جزء افتخارات آن ها محسوب می شد (علی، ۱۹۷۶ م، ج ۱: ۲۷۴؛ قاسمی حامد، ۱۳۹۲: ۸۲).

۲-۱-۴. تعهد: با وجود این همه منازعات، حفظ جان افراد و امنیت قبیله، بسیار حائز اهمیت و به همین سبب مهم ترین تصمیم رئیس یک قبیله، انتخاب میان جنگ و صلح بود (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۱۲). «حلف» یا پیمان، با حفظ سنت ها و تأمین امنیت و آرامش، جایگزین مناسبی برای جنگ و در نبود دولت، تبدیل به قانون شد (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۳۰). شکستن این قانون، ناپسند و بدترین عهدشکنی (عَدْر) هنگامی بود که یک طرف از هم پیمانان انصراف خود را از عهد به صورت یک جانبه اعلام می کرد (علی، ۱۹۷۶ م، ج ۴: ۳۷۲ و ۳۸۹). امضای پیمان

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های رؤسا و تعهد موجب شهرت و برتری قبیله بود (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۷۸؛ ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۴۱). در نتیجه صلح و پایبندی بدان به همان اندازه جنگ و سرسختی در آن، برای قبیله اعتبار و به‌عنوان مصلحت‌آمیزترین تصمیم یک رهبر اهمیت داشت.

۲-۲. بافت، زمینه: عصر ظهور اسلام

ظهور اسلام در سرزمین حجاز به مثابه یک انقلاب همه‌جانبه درصدد تحول در نظام جاهلی بود؛ اما این تحول به یک‌باره محقق نمی‌گشت و به راهبردهای متنوع و مقتضی شرایط نیاز داشت. راهبردهای پیامبر(ص) برای گذار از شاخص‌های جاهلی در سه راهبرد خلاصه می‌شود.

۲-۲-۱. دعوت به توحید برای غلبه بر تعدد؛ راهبرد مصلحت از همان ابتدای بعثت و با دعوت مخفیانه عملیاتی گشت و سپس با دعوت از خویشاوندان و دعوت آشکارا، به تدریج و علیه تعدد، ادامه یافت.

۲-۲-۲. تشکیل دولت اسلامی: همواره ایجاد تغییرات اساسی در اعتقادات یا سنت‌ها، مخالفت و مقاومت عده‌ای را که منافع خویش را در وجود آن سنت‌ها می‌دانند، برمی‌انگیزد، ظهور اسلام هم با مخالفت قریش روبه‌رو شد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۶۹) پیامبر(ص) برای مقاومت و مبارزه در برابر آنان، پیاده‌سازی احکام اسلامی و ایجاد بستر مناسب برای صدور انقلاب اسلامی به‌ویژه پس از اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و حصر اقتصادی شعب ابی‌طالب که استقلال مالی مسلمین هم ضرورت یافت، نیاز به هم‌پیمانانی داشت تا قدرت مسلمین را افزایش دهد. پذیرش پیمان عقبه اول، دوم توسط یثربیان به‌عنوان رقبای اقتصادی-اعتقادی قریش این امکان را فراهم ساخت (جعفریان، ۱۳۹۲: ۳۸۴ و ۳۹۰). پس از آن وجود یک نظام سیاسی قدرتمند و مستحکم لازم بود تا با همراه ساختن یا تقابل با دشمنان، اهداف حضرت تأمین شود. منشور مدینه، انعقاد معاهدات با یهودیان و ایجاد اخوت میان مسلمین در همین راستا صورت پذیرفت (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۱۶ و ۳۲۵؛ شهیدی ۱۳۹۳: ۶۳-۷۱).

۲-۲-۳. سیاست خارجی حکیمانه برای غلبه بر تعدی و تقویت تعهد: گسترش

حداکثری اسلام و صدور انقلاب اسلامی وابستگی شدیدی به رفع خطر دشمنان و برقراری امنیت سرزمین اسلامی و به‌موازات آن خودکفایی اقتصادی داشت. از آنجاکه یک نهضت دینی به دنبال دگرگون کردن ذهنیت‌ها است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۲) پیامبر (ص) برای تحقق اهداف خویش، در شرایط متشنج و عصر درگیری‌های قبیله‌ای، به دنبال مصالحه، سازش و زندگی مسالمت‌آمیز از طریق پیمان بود. این رویکرد اساس دیپلماسی دولت نبوی را شکل داد (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۳). البته به سبب عدم وجود «دولت-ملت» به‌عنوان بازیگران عرصه بین‌المللی، در دیپلماسی نبوی به‌جای رابطه با حکومت‌ها روابط با قبایل مطرح بود (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۵).

می‌توان اصول دیپلماسی پیامبر را اصول حاکم بر دیپلماسی اسلامی دانست (بادران، ۱۳۸۵: ۵۰).

اصل اول-اساس دیپلماسی، دعوت به توحید (تفسیر اثناعشری، ج ۸: ۴۵۵؛ خزائی، ۱۳۹۳: ۱۱۴)؛ البته توحید نه صرفاً به معنای اعتقاد به وحدانیت خداوند بلکه به معنای ایجاد یک پایه و استوانه یا زمینه‌ی اساسی یک جهان‌بینی زندگی‌ساز برای تشکیل جامعه‌ی توحیدی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶).

اصل دوم-نفی طاغوت و حفظ عزت اسلامی؛ پرستش فقط مخصوص خدای یگانه است (نحل/۳۶ و نساء/۱۴۱)، سرسپردگی و دنباله‌روی غیر خدا جایز نیست. قاعده «نفی سبیل» بیانگر این اصل است که شارع مقدس از هیچ طریق و بهانه‌ای نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را جایز ندانسته و دست ایشان را بر مؤمنین باز نگذاشته است (تفسیر اثناعشری، ج ۲: ۶۱۵؛ شکوری، ۱۳۹۳: بی‌جا).

اصل سوم-احترام، نزاکت و توجه به کرامت انسانی؛ اصل حاکم بر روابط با بیگانگان می‌بایست پرهیز از توهین، بی‌احترامی و در جهت ایجاد الفت و اخوت باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۵).

اصل چهارم-استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز در حل و فصل اختلافات؛ از مهم‌ترین بخش‌های دیپلماسی نبوی که امروزه به‌عنوان مذاکره یا به‌اصطلاح چانه‌زنی مطرح است، ارسال نامه یا نماینده به قبائل بود (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۱۴ و

(۱۱۸).

اصل پنجم-انتخاب مذاکره کننده کارآمد؛ انتخاب فردی با ظاهری آراسته، قدرت بیان بالا، شجاع، عاقل باتقوا و همچنین مسلط به قوانین حقوقی و... بسیار حائز اهمیت است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۸-۳۰). «جعفر بن ابی طالب» یا «مصعب بن عمیر» از نمونه های موفق انتخاب مناظر هستند (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

اصل ششم-تلاش برای گسترش صلح از طریق عقد معاهدات رسمی و پایبندی به تعهدات؛ انعقاد معاهدات تأثیرگذار با بزرگان عربستان نظیر یهودیان مدینه، مسیحیان نجران و صلح حدیبیه با مشرکان قریش، از نمونه های این معاهدات است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۵).

اما اگر دیپلماسی مذاکره در رسیدن به اهداف دفاعی و اقتصادی توفیقی را نصیب مسلمین نمی کرد، جنگ جایگزین می شد (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۲۵؛ افتخاری، ۱۳۸۸: ۴۱).

-هدف اقتصادی؛ گسترش تجارت و بازرگانی مسلمانان را علاوه بر کسب ثروت، از وابستگی رها و از توان سیاسی (چانه زنی) و نظامی برخوردار می کرد؛ به نحوی که اقتصاد حجاز از تک قطبی مکه خارج و مدینه هم پایه قریش قرار می گرفت. در نتیجه، وابستگی قبائلی که از ترس تحریم اقتصادی قریش با مسلمان همراه نمی شدند، از میان می رفت (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۷۵ و ۱۷۸؛ لینگز، ۱۳۹۳: ۶۰). حکومت مدینه با هدف تجارت و به قصد شکستن تحریم ها با ناامن کردن مسیر کاروان های قریش، وارد فاز جدیدی از روابط خود با دشمنان شد.

-هدف دفاعی؛ با افزایش توان نظامی مسلمین، همچنین آغاز اقدامات پیامبر(ص) برای افزایش توان اقتصادی و علمی مسلمین، دشمنان هوشیارتر شده و با نیت نابودی حکومت مدینه، طرح حمله به سرزمین اسلامی را پیاده ساختند لذا خداوند به جهت دفاع از حریم و سرزمین، به مسلمین اجازه جنگیدن داد (تفسیر اثناعشری، ج ۹: ۶۰-۶۱).

پیامبر(ص) به دنبال تأمین اهداف با صلح بودند بنابراین در غزوات ایشان کمتر کار به مبارزه مسلحانه کشیده می شد. اصل مهم دست یافتن به هدف و حکم

قرن در این باره جهاد است اما جهاد الزاماً مبارزه مسلحانه نیست، اگر گفتگو نتیجه‌ای نداشت باید دست به سلاح برد (اثنا عشری، ج ۴: ۳۶۹؛ بادران، ۱۳۸۵: ۵۰).

۲-۳. تجربه: جنگ و صلح (اهمیت معاهده صلح یا پیمان به اندازه جنگ با عدوان)

پیامبر(ص) در زمان‌ها و شرایط مختلف با راهکارهای متنوع و رفتار متفاوت با دشمنان برخورد کرده است.

منافقان به عنوان دشمنان داخلی، در زمان پیغمبر یک سازمان منسجم نداشتند و بر مبنای میزان خطرشان برای اسلام با آنان رفتار می‌شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۵۶).

قبائل نیمه وحشی غیر سازمان یافته که زندگی‌شان از طریق جنگ و خونریزی می‌گذشت؛ برای امنیت جامعه خطرناک بودند، اگر نشانه‌ی صلاح و هدایت در آنان دیده می‌شد بدون تأکید بر اسلام آوردن، پیمان عدم تعرض بسته می‌شد، اما اگر از اشرار بودند، جنگ جایگزین می‌شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۷).

یهودیان، گروهی سازمان یافته، متعصب، لجوج و فتنه‌انگیز و پیمان شکن که همواره در پی فتنه جویی و ریشه کنی دین اسلام هستند؛ در ابتدا با ایشان مدارا اما با عهد شکنی در معاهده مدینه و رفتارهای اخلاک‌گریانه، اقدام نظامی انجام شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۵۲).

اما مشرکان به عنوان مهم‌ترین مخالفان اسلام، از هیچ اقدامی در دشمنی با پیامبر(ص) فروگذار نکرده و بزرگ‌ترین مانع صدور انقلاب اسلامی و خطری جدی برای حکومت اسلامی بودند. آنان به رهبری مشرکان قریش ائتلافی بزرگ به وجود آوردند لکن پیامبر(ص) بهترین دفاع در مقابل آنان را حمله دانست و دانست اگر اقدامی صورت ندهد آن‌ها فرصت حمله پیدا خواهند کرد. مسلمین به نقطه حساس اقتدار قریش یعنی به امنیت و مصونیت کاروان‌های آن‌ها ضربه وارد کردند. مشرکان به امید نابودی نظام اسلامی، به عملیات جنگی خود ادامه می‌دادند و پیامبر(ص) با مقاومت، تسلیم نشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۹-۵۱).

پیامبر(ص) در برابر اقدامات دشمنان، بر مبنای دو اصل صیانت از اسلام و حفاظت از منافع مسلمین (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷ و ۱۹)، منطبق با سنت کهن عربستان یا با آنان معاهده امضا نمود یا جنگید؛ اما پس از جنگ احزاب که بزرگ‌ترین ائتلاف علیه حکومت اسلامی شکست خورد، پیامبر فرمود: جنگ میان ما تمام شد (حق شناس، ۱۳۹۳: ۱۰۸). هنگامی که مقاومت در برابر ابرقدرت حجاز نتیجه داد و قدرت بازدارندگی دولت نبوی بر همگان آشکار شد، دیپلماسی و چانه‌زنی سیاسی آغاز و حدیبیه شکل گرفت.

مطالعه تجربیات پیامبر(ص) در برخورد با دشمنان، صلح و جنگ را کاملاً وابسته به درک شرایط و موقعیت زمانی و مکانی نشان می‌دهد. در بدر کبری با وجود کمی سپاه، صلاح در ایستادگی و جنگ (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۶۱)، در حدیبیه با وجود آمادگی کامل سپاه، مصلحت در پذیرش معاهده صلح دانسته شد. معاهده با یک ابرقدرت که با توجه به نتیجه حاصله، موفق‌ترین سیاست خارجی دولت نبوی است (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷).

۲-۴. متن: جریان و روند شکل‌گیری معاهده حدیبیه

در سال ششم هجرت، پس از جنگ‌های متوالی، سرانجام هنگامه خروج از مرزها و صدور انقلاب اسلامی با ندای صلح جویانه فرارسید (زرگری نژاد، ۱۳۹۳: ۵۰۱). استفاده از فرصت ماه حرام و حریم امن خانه کعبه در موسم حج، فرصتی فراهم می‌ساخت که مسلمین بتوانند پیام اسلام را توسط زائران به اقصی نقاط سرزمین بفرستند و خود را به همگان بشناسانند.

۲-۴-۱. فرامتن: مانور اقتدار مسلمانان و اعمال فشار بر سران قریش برای تن دادن به مصالحه؛ قریش بی‌اعتنا به پیغام و نیت صلح‌جویانه مسلمین، مانع ورود آنان به مکه شدند و با انجام اقدامات تحریک‌آمیز در اطراف کاروان حجاج، هم‌زمان پیک پیامبر(ص) و عده‌ای از مسلمانان را که به قصد دیدار خانواده در مکه بودند، به اسارت گرفتند. این اقدامات تهدیدآمیز پیامبر(ص) را بر آن داشت تا آرایش نظامی بگیرد و انسجام کاروان اسلام را به رخ دشمن بکشد (واقعی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۵۷-۴۵۹)؛ زیرا پذیرش و کنار آمدن با حبس سفیر مسلمانان، به منزله چراغ سبزی در

دادن امتیاز و عقب‌نشینی در مذاکره بود.

بیعت رضوان تصمیمی حیاتی برای عزت و عظمت اسلام، سرنوشت ساز و نمایشی از قدرت رهبری پیامبر(ص) و میزان جان فشانی یاران ایشان در مقابل دشمن بود؛ زیرا خداوند به آمادگی دفاعی مسلمین برای بازدارندگی در مقابل دشمن تأکید می‌کند (تفسیر اثناعشری، ج ۴: ۳۶۸؛ افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۹). اتحاد مسلمین در مرکز قدرت قریش، به سرعت موازنه قدرت را به هم زد و سبب شد تا دشمن برای مصالحه به دست‌وپا بیفتند (قنبری، ۱۳۹۴: بی‌جا).

۲-۴-۲. بینامتن: مذاکره؛ پیامبر(ص) با استفاده از روانشناسی سیاسی یکایک نمایندگان قریش را تحت تأثیر قرار داد (واقدی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۵۵؛ افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۳). نماینده خود را نیز، فردی قریشی با تسلط به زبان و لهجه قریش و برخوردار از حمایت خانواده، انتخاب کرد تا با تأمین جانی پیام دوستی را ابلاغ کند.

مقدمه انجام مذاکرات بر سر صلح، تبادل اسرای طرفین بود تا امنیت نیروهای طرفین تضمین شود. رسمی دیپلماتیک که توسط نمایندگان دو طرف صورت گرفت. همچنین در بحث کتابت معاهده، نماینده قریش به لحاظ آگاهی از بار حقوقی کلمات متن، خواسته‌هایی را مطرح کرد؛ پیامبر با در نظر گرفتن جایگاه حداقلی این امتیاز و برای بستن راه بهانه‌جویی‌ها، در برآوردن خواست او انعطاف نشان داد (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۴).

۲-۴-۳. متن: برنامه جامع اقدام مشترک میان حکومت نبوی و قریش؛ این پیمانی است بین محمد بن عبدالله و جماعتی [بزرگان] از قریش و سهیل بن عمرو؛ که به مدت ده سال بر ترک جنگ بین خودشان صلح کردند، دست از هم بازدارند؛ همدیگر را غارت نکنند؛ به یکدیگر خیانت نوززند؛ از بدگویی نسبت به هم خودداری کنند؛ هرکس دوست داشته باشد که با محمد عهد و پیمان ببندد آزاد است و هر کس بخواهد با قریش پیمان ببندد نیز آزاد است؛ هرکس از قریش و مکیان بدون اجازه ولی [سرپرست و عهده دار] خود به نزد محمد آمد باید محمد او را به ولی او برگرداند و از اصحاب محمد هر کس به نزد قریش رفت نباید قریش او را نزد محمد برگرداند؛ اسلام در مکه آشکار شود؛ کسی را بر دینش مجبور

نکنند؛ کسی از مسلمانان را اذیت و آزار و ملامت و سرزنش ننمایند؛ محمد در آن سال با اصحابش بازگردد، سپس در سال آینده به مکه آید و سه روز در مکه اقامت کند و جز سلاح مسافر با خود همراه نداشته باشند (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۶۰؛ واقدی، ۱۳۶۲: ۴۶۵).

۴-۴-۲. زیر متن: مخالفان داخلی؛ پذیرش بند دوم پیمان موحی از اعتراضات داخلی را ایجاد کرد، مخالفان، این ماده را ذلتی برای جبهه اسلام می دانستند، لکن از نظر پیامبر (ص) مسلمانی که به شرک پناه ببرد و آئین ضدانسانی آن را بر محیط اسلام و خداپرستی ترجیح دهد، مسلمان واقعی نبوده و چنین فردی به درد اسلام نمی خورد. اما بازگرداندن پناهندگان قریش از روی اطمینان به خداوند برای نجات آنان است (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۹۷).

پس از امضای معاهده و قبول انصراف از حج در آن سال موج دوم مخالفت به راه افتاد. تشویش، اضطراب و نارضایتی ایشان از این جهت بود که اساس این تصمیم را رأی شخصی بدون در نظر گرفتن حکم الهی می دانستند (واقدی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۶۶-۴۶۵ و ۶۰۷).

۲-۵. زبان: تصریح به صلح ده ساله با مسلمانان و پذیرش رسمیت اسلام و حقوق

مسلمین

اساساً پیامبر (ص) با تشکیل حکومت اسلامی به دنبال «رسمیت بخشیدن به اسلام» در حجاز به مرکزیت «مکه» بود؛ زیرا در نتیجه تحقق این هدف، اسلام آشکار می گشت و تبلیغ آزادانه آن در سایه امنیت و مصونیت از جانب مهم ترین دشمن آن به جهانی شدن آن می انجامید (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶). با تضمین ده ساله صلح و پذیرش مسلمانان در مکه، فضایی در اختیار این دین نوپا قرار می گرفت که گسترش دادن آن را حتمی می نمود؛ بنابراین شفاف سازی در متن معاهده برای بیان واضح مقصود مؤلفان در جهت بستن راه تفسیر و گریزناپذیری آن الزامی بود.

میان مردم عرب زبان سرزمین حجاز، زبان قریش بهترین، فصیح ترین و از لحاظ تعداد لغت و واژه، دارای ارزش علمی بیشتری بود (جوینی، ۱۳۴۶: ۷۶). به اعتقاد فارابی «قریش فصیح ترین و آسان ترین الفاظ را برای سخن گفتن به کار

می‌برد؛ الفاظی که بر گوش‌ها سنگینی نمی‌کرد و خواسته‌های درونی انسان را بهتر بیان می‌کرد...» (آذرنوش، سلمان‌ی مروست، ۱۳۸۳: ۱۴). متن بیشتر نامه‌ها و پیمان‌های پیامبر نشان می‌دهد ایشان در معاهدات خود از جمله‌های کوتاه، صنعت مساوات یا ایجاز استفاده می‌کردند تا از روشن شدن مطلب اطمینان داشته باشد. این نوشته‌ها به قدری از فصاحت و بلاغت برخوردار است که می‌توان با استدلال به سبک گفتاری و نوشتاری، متون و خطبه‌های جعلی منتسب به ایشان را تشخیص داد (حمیدالله، ۱۳۷۶: ۵۰).

بنابراین متن معاهده صلح حدیبیه که سخنان پیامبر(ص) است (حمیدالله، ۱۳۷۶: ۵۸) از این سبک نوشتاری مجزا نبوده و از همان استواری و سادگی برخوردار است. این متن به دور از آرایه‌های تصنعی و لفظی، بسیار روان و آشکارا، منظور را به خواننده منتقل کرده و نیازی به تفسیر کلمات برای پی بردن به معنای اصلی آن‌ها نیست. «مفاد پیمان به وضوح بیان می‌دارد که اسلام در مکه آشکارا شود، کسی را در پذیرش دین اجبار نکنند، کسی از مسلمانان را آزار و اذیت نمایند». در جای دیگر صراحتاً می‌گوید: «هرکس دوست داشته باشد با محمد عهد و پیمان ببندد آزاد است» و نگارش این بندها به گونه‌ای است که هیچ قید و شرط و راه فراری را برای قریش باقی نمی‌گذارد.

۲-۶. نیت و مقصود مؤلف: اهداف پنج‌گانه مصلحتی استعلایی

باتوجه به اشتیاق قریش برای انتقام سران خویش از مسلمین، قطعاً این سفر، حاوی مصلحتی است که پیامبر را به رغم مخالفت اکثریت مسلمین به سمت مکه روانه کرد (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۴). این مصلحت را می‌توان با توضیح پنج هدف مهم حضرت از این سفر، فهم کرد:

۱-۶-۲. معرفی اسلام (اسلام‌شناسی): قدرت اقتصادی و تبلیغاتی برتر قریش، اسلام را مهجور و درحدّ یک حرکت علیه تفکر حاکم شرک و کفر جلوه داده بود. اکثریت قبائل، مسلمانان را افرادی خشن، فاقد اندیشه و فرهنگ مشخص که با پیروی از محمد(ص) خدای نادیده را می‌پرستند، می‌دانستند. موسم حج وقت پرده برداشتن از رخ اصیل و بطن حقیقی دین بود (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷).

۲-۶-۲. کاهش وحشت اعراب از اسلام (مبارزه با اسلامهراسی): تصور قبائل از اسلام، دینی جدید در تضاد با سنت اعراب بود به این معنا که تمامی عقاید و مراسم ملی و مذهبی آنان، حتی فریضه «حج» و «عمره» که یادگار نیاکان آن‌ها است، نفی می‌کند لذا آنان دچار وحشت و اضطراب از اسلام شده بودند؛ حضور در مراسم «عمره»، می‌توانست پایبندی اسلام به این سنت نیای عرب را نشان دهد و از این وحشت و اضطراب بکاهد (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۴).

۲-۶-۳. صدور انقلاب (گسترش پیام اسلام): انجام مناسک حج در مقابل مشرکان و مشاهده انجام فرایض مسلمین، سبب انتشار اخبار این عمل در سراسر عربستان و در نتیجه تبلیغ عظیمی از آئین اسلام می‌گشت (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۴).

۲-۶-۴. مخدوش ساختن چهره قریش نزد قبائل (دشمن شناسی): پیامبر(ص) می‌دانست در صورت پذیرش مسلمین در مکه، علاوه بر انجام مناسک حج، مسلمین با نزدیکان خود، دیدار کرده و سبب نرم‌خویی مشرکان و آغاز عادی‌سازی روابط شوند؛ اما در صورت ممانعت ورود به مکه، حیثیت و مقبولیت قریش در جهان عرب به‌عنوان چهره بی‌طرف خادمین بیت‌الله خدشه‌دار شده و این‌گونه امکان ائتلاف با دیگر قبائل عرب بر ضد اسلام را از دست می‌دهند، زیرا مسلمین را از حقی که تنها متعلق به قریش نبوده بلکه به تمامی مردم دنیا تعلق دارد، محروم کرده‌اند (فخاری، برخوردار، ۱۳۹۲: ۵۵).

۲-۶-۵. اطمینان از پیروزی اسلام (آینده‌نگری): تحلیل سیاسی پیامبر(ص) این بود که قریش از فکر حمله به حکومت اسلامی بیرون آمده و به صلح نظر دارند زیرا توان جنگی قریش به عکس افزایش و تقویت قوای نظامی اسلام، رو به افول گذاشته و توان اقتصادی آنان نیز به خطر افتاده بود. پیامبر(ص) با اطلاع از مهارت سیاسی قریش در درک شرایط، به فرستاده آنان فرمودند: قریش از جنگ ضرر و زیان دیده و آنان به ستوه آمده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۲: ۵۷۹ و ۵۸۰).

۲-۷. معنای تلویحی و تصریحی: اعلام رسمی اسلام و ایجاد فضای صلح برای

گسترش آن

در بحث حدیبیه، اصلی‌ترین و مهم‌ترین امر، انجام مذاکره و انعقاد معاهده است،

زیرا پیامبر از ابتدا می‌کوشید تا اعلام موجودیتی مستقل از نظام قبیله‌ای داشته باشد؛ انجام مذاکره با قدرت اول عربستان و انعقاد معاهده، ثبت رسمی دولت اسلامی به‌عنوان یک واحد مستقل سیاسی، بود زیرا کفار برای اولین بار وارد عرصه مذاکرات «بین‌قبائلی» با مسلمین در جهان عرب شدند؛ اما اهمیت پذیرش صلح پیامبر را از موضوع مفاد معاهده غافل نساخت. رسمیت لازم اما کافی نبود، مفاد معاهده نتیجه‌ای بیش از رسمیت داشت:

۲-۷-۱. برقراری امنیت و کاهش تنش‌ها؛ موفقیت‌های دشمنان در مقابل اسلام، تنها در حوزه تحریم و تبلیغات ضد اسلامی با استفاده از قدرت سیاسی و ثروت، به‌دست آمده بود لذا ترجیح می‌دادند در حوزه نظامی کوتاه بیایند؛ برقراری امنیت و کاهش تنش‌های منطقه‌ای تردد مسلمانان در سراسر عربستان و تبلیغ دین را بلامانع و تبلیغات سوء و لابی‌های ضد اسلامی را خنثی می‌کرد.

۲-۷-۲. آزادی سیاسی - اقتصادی و عقیدتی (شکست تحریم‌ها)؛ با آزادی مسلمین در بستن معاهدات، هرگونه حصر، تهدید و تحریم شکسته و هر فرد و قبیله‌ای در پذیرش اسلام آزاد می‌شد. نفوذ و قدرت قریش در اعمال تحریم، مانع جدی برای مسلمانان بود. حدیبیه راه تجارت و خودکفایی اقتصادی را برای مسلمین هموار کرد.

۲-۷-۳. اعطای امتیاز با هدف جذب دشمن؛ احترام به کرامت انسانی و سنت‌های طرف مقابل، یکی از راه‌های نشان دادن حسن‌نیت در عقد معاهده است. پیامبر با خواهش نماینده قریش برای احترام به سنت سوگند (سبجانی، شماره ۱ مکتب‌الاسلام) موکول شدن زمان حج را می‌پذیرد. با این توافق برای مقطعی کوتاه از مواضع اعلام‌شده عقب نشستند (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶) اما از آثار این انعطاف، ایمان آوردن عده‌ای از سران قریش تحت‌تأثیر اخلاق والای پیامبر (ص) و نهایتاً همراه شدن در فتح مکه بود.

۲-۷-۴. اعلام رسمی موجودیت دین اسلام و تحمیل پذیرش حقوق مسلمین (من جمله انجام حج)؛ با به رسمیت شناخته شدن دین اسلام در مکه، حق مسلمانان برای زیارت خانه خدا مسلم گردید و حملات مستقیم، تبلیغات سوء و توهین‌های

قریش پایان یافت.

پیامبر(ص) در آن شرایط بدون آنکه متحمل خسارت شود، به مهم‌ترین هدف خود یعنی رسمیت‌بخشی به دین اسلام و حقوق مسلمین همچین برقراری امنیت، دست‌یافته و قریش را به‌زانو درآورد تا شرایط برای برداشتن باقی موانع نشر دین آماده گردد. (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۸).

۲-۸. تأویل: غلبه مصلحت بر برخی اصول و واقعیت‌های موجود

مذاکره و امضای معاهده صلح حدیبیه، در حال آمادگی نظامی مسلمین و در حالت احرام را جز با مصلحت نمی‌توان توضیح داد خصوصاً اینکه حضرت در ابتدا می‌فرمایند با کسانی که مانع انجام مناسک حج توسط مسلمین شوند، خواهند جنگید (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶) چون حج از حقوق مسلمین (کاظمی نسب، ۱۳۹۵: ۱۰۳) و ممانعت از آن برخلاف عدالت است در حالی که هدف از حکومت اسلامی به فرموده قرآن، دعوت مردم به قیام برای عدالت و آهن به‌عنوان نمادی از یک سلاح، ابزار حکومت برای دفاع از حریم عدل و قانون الهی است (حدید/۲۵؛ تفسیر اثنا عشری، ج ۱۳: ۴۶). پیامبر هم می‌بایست از حقوق مسلمین دفاع می‌نمود. با توجه به این هدف و دستور جهاد، ابتدا جنگ را برمی‌گزیند اما چون اهداف ایشان با صلح هم تحقق می‌یافت ایشان نرمش به خرج داده با اعطای امتیازاتی اندک، صلح را برمی‌گزیند (واقعی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۵۰؛ منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶).

واقعیت این است که در صورت بروز جنگ، یعنی حکم ابتدایی پیامبر(ص) و با شکل‌گیری بیعت رضوان پیروزی نصیب مسلمین می‌گشت: «اگر با افراد کافر نبرد می‌کردید، آن‌ها فرار می‌کردند و یار و یاور پیدا نمی‌نمودند» (فتح/۲۲؛ قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۳۷)؛ اما تغییر استراتژی و انعطاف بی‌نظیر پیامبر(ص)، به‌عنوان فتحی عظیم (واقعی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۷۰) بر تمامی اسلام‌هراسی‌ها، خط بطلان کشیده، مقدمه فتح مکه و با رفع خطر مشرکان، سبب پیروزی بر یهودیان خیبر و آغاز دعوت جهانی شد (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷). از این جهت امام صادق(ع) فرمود: هیچ جریانی در تاریخ زندگانی پیامبر اسلام سودمندتر از معاهده صلح حدیبیه نبوده است (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۰۲).

۲-۹. قرائت خواننده یا مفسر (مفسران، مورخان و معاهده حدیبیه)

اکثر مفسران دینی، سیاسی و مورخین، معتقدند موفقیت معاهده حدیبیه نه تنها در کوتاه مدت بلکه در بلندمدت و به عنوان سند محکمی برای پاسخ به دشمنان اسلام، استفاده شد. مدعیانی که صلح دوستی پیامبر را صرفاً در مواقع ضعف دانسته و جنگ را حاصل افزایش قدرت سیاسی-اجتماعی ایشان (متانت پور، ۱۳۹۳: ۱۱۰) و علت پیشرفت اسلام عنوان می‌کنند. اینان معتقدند اکثر جنگ‌های پیامبر(ص) تهاجمی و علت، تفاوت در آیات مکی با آیات مدنی است. آیات مکی مسالمت‌آمیز و آیات مدنی خشونت‌گرا هستند (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۹۷).

برخلاف تندروها، گروهی نه تنها اسلام را مروج خشونت نمی‌دانند بلکه معتقدند اسلام همواره بر صلح و دوستی تأکید دارد و همگان را به آرامش فرامی‌خواند و حتی در سخت‌ترین شرایط (شکنجه مسلمین و حصر شعب ابی‌طالب)، توصیه به مدارا و عدم خشونت داشته است (متانت پور، ۱۳۹۳: ۱۱۳). نزول سوره فتح در حمایت از صلح حدیبیه، گواه دفاع اسلام از صلح و دوستی و رضایت خداوند در آرامش و امنیت برای برقراری عدالت است. مسلمانان تا پیش از حدیبیه، همواره در حال دفاع بودند، پس از آن با کسب فرصت تفکر و تعقل موجبات گسترش هرچه بیشتر اسلام را فراهم کردند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۱۹-۲۲۰). موفقیت حدیبیه تا به امروز ادامه داشته است به گونه‌ای که اندیشمندان قرن‌ها پس از آن، تشخیص به موقع مصالح جامعه اسلامی توسط پیامبر را ستوده و بر صلح دوستی اسلام صحه گذاشته‌اند.

«جرج برناردشاو» پیامبر اسلام را منجی بشریت می‌خواند و می‌نویسد: «من اعتقاد دارم که اگر مردی مثل او حاکمی در عصر جدید می‌شد، برای حل مشکلاتش از صلح و دوستی استفاده می‌کرد...» (عبدالوهابی، ۱۳۸۵: ۱۷۵). همچنین گاندی، صلح را عامل موفقیت اسلام می‌داند (عبدالوهابی، ۱۳۸۵: ۱۷۵). کارن آرمسترانگ، بانوی غیرمسلمان، پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۲ م می‌نویسد: «بیشتر هم پیامبر صرف جلوگیری از برخوردهای وحشیانه گردید؛ زیرا لغت اسلام که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است، از ریشه «سلام» به

معنای «صلح» گرفته شده است. محمد (ص) مرد جهاد بود، ولی یک صلح طلب واقعی هم بود...» (آرمسترانگ، ۱۳۸۶: مقدمه).

این‌ها همه حاکی از تشخیص درست و به موقع مصلحت در تصمیم پیامبر (ص) است؛ مصلحتی که نشان داد اسلام دین آشتی و مصالحه و پیامبر (ص) یک مصلح بزرگ و الگوی جهانی است.

نتیجه‌گیری

نتیجه حاصل از حرکت رفت و برگشتی در مؤلفه‌های ۹ گانه دور هرمنوتیکی به عنوان اجزای شکل‌دهنده معاهده حدیبیه، بیانگر این است که:

۱- پیامبر (ص) با آگاهی و درک درست از سنت و تاریخ جاهلیت، اقدامات خود را بر اساس اصلاح سنت‌های جاهلی با شاخصه‌های تعدد، تعصب، تعدی و تعهد آغاز کرد.

۲- دعوت به توحید، تشکیل حکومت اسلامی و سیاست خارجی حکیمانه برای مقاومت در مقابل اقدامات قهری و تحریمی دشمنان صورت گرفت.

۳- تجربه نشان داد استفاده به موقع و حکیمانه هم‌زمان و توأمان از ابزارهای سنتی جنگ و صلح در مصلحت‌سنجی‌های پیامبر (ص)، علاوه بر حفظ اصول اسلام، صلح را بر جنگ غلبه داده و از تهدیدها فرصت ساخت. پیامبر توانست قدرتمندترین دشمن خویش را بر سر میز مذاکره بنشانند. دشمنی که پیش از آن به دیده حقارت به محمد (ص) و دین او نگاه کرده و مطابق اصلی‌ترین سنت عربستان، یعنی ثار، در پی انتقام از پیامبر بود.

۴- متن معاهده بیانگر عدم شتاب‌زدگی رسول (ص) در اخذ توافق است، به نحوی که با اعطای کمترین امتیاز، تمامی اهداف خویش را تأمین نمود.

۵- پیامبر اسلام با استفاده از ظرفیت‌های اسلام و شناخت کافی از امکانات و منابع حکومت خود، در تدوین مفاد معاهده، مشرکان را وادار نمود تا موجودیت اسلام و حقوق مسلمین را به رسمیت شناخته و ضمن آزاد کردن انجام عبادات اسلامی، امنیت مسلمین را تضمین و تحریم‌ها علیه حکومت اسلامی را برطرف نمایند.

۶- هدف اصلی پیامبر(ص) در دیپلماسی، خنثی سازی و دفع توطئه‌ها بود و حدیبیه این امکان را با صدور اسلام، رفع اسلام‌هراسی و مخدوش ساختن چهره قریش نزد دیگر قبائل مهیا می‌کرد تا اسلام در تمامی عصرها منبع و منشأ صلح شناخته شود.

۷- پذیرش رسمی اسلام و ایجاد فضای صلح برای گسترش اسلام معاهده صلح را به پیروزی بزرگی تبدیل کرد که خداوند به عنوان فتح مبین آن را تأیید فرمود.

۸- طرح ریزی اصولی و تغییر استراتژی از جنگ به صلح، از تهدید قریش، فرصتی ساخت تا بدون خونریزی و اعطای امتیاز مهم، آزادی و امنیت مسلمین برقرار و دعوت جهانی شود.

۹- مذاکره و امضای معاهده صلح حدیبیه که در شرایط اقتدار و داشتن دست برتر مسلمین انجام شد، کفه صلح را به نفع اسلام سنگین تر و پیامبر(ص) را بزرگ‌ترین مصلح تاریخ قرارداد.



در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده: مصلحت مستخرج در اقدام به مذاکره در معاهده حدیبیه چه بوده و چه ضوابطی را پیامبر(ص) در این معاهده اعمال کرده است؟ می‌توان گفت: هدف اصلی پیامبر اسلام از طراحی مذاکره با قریش و صلح حدیبیه، زمینه‌سازی بسط و گسترش حکومت توحیدی با ایجاد یک فضای صلح‌آمیز بوده است که با توجه به اهمیت پیمان در میان اعراب، با صلح حدیبیه ممکن گشت.

به این ترتیب با در نظر گرفتن این واقعیت که حکم اصلی در شرایط حدیبیه در مواجهه با کفار جنگ بوده است، پیامبر(ص) با یک نرمش قهرمانانه با پذیرش صلح موقت، حکم موقتی را جایگزین کردند. بنابراین می‌توان گفت علت امضای معاهده صلح، همان است که در این نوشتار به دنبال کشف آن بودیم، یعنی «مصلحت»؛ امری که بر مبنای اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی، با توجه به مسئله مهم و مهم، تنها اختیار انتخاب جایگزین مناسب برای حکم اصلی را صادر می‌کند. ضوابط حاکم بر مصلحت در عقد این معاهده نیز به این شرح است:

۱- نظر به اینکه پیشنهاد صلح از جانب قریش و پس از بیعت رضوان مطرح می‌شود برای پذیرش معاهدات می‌بایست پیشنهاد صلح از جانب دشمن و حتماً در زمان قدرتمندی مسلمین باشد.

۲- تأکید به پایان جنگ‌ها و تضمین برقراری امنیت برای مسلمین، بیانگر این اصل است که معاهده قطعاً باید باعث توقف جنگ و کشتار شود.

۳- صدور مجوز برای عقد پیمان‌ها و معاهدات با دیگر قبائل نشان می‌دهد با پذیرش معاهده می‌بایست تمامی محدودیت‌های پیش از معاهده برداشته شده و آزادی مسلمین در همه جهات فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی فراهم شود.

۴- حذف نام رسول‌الله و عودت تازه مسلمانان به مکه، درقبال پذیرش دیگر بندها توسط قریش یادآور این است که در معاهده باید با کمترین هزینه بیشترین امتیاز نصیب مسلمین شود.

۵- با دقت نظر در انتخاب کلمات و تنظیم جملات، باید راه هرگونه بهانه‌جویی و فرار از زیر بار تعهدات دشمن بسته شود.

۶- بندها به گونه‌ای تنظیم شوند که در صورت عهدشکنی دشمن، امکان بازگشت به حکم اصلی فراهم باشد. همان‌گونه که با عهدشکنی قریش، پیامبر(ص) بدون فرصت‌سوزی و اتلاف وقت حکم جنگ را صادر و به سمت مکه حرکت کردند.

درحقیقت برای دستیابی به اهداف موردنظر بدون عبور از خط قرمزها و دست کشیدن از راهبردهای اساسی و آرمان‌ها و تاجایی که از مذاکره استنباط عقب‌نشینی نشود، مذاکره و صلح موقت عین مصلحت است. این بدان معناست که اگر بنا باشد مذاکره و پذیرش یک معاهده به‌عنوان یک رویکرد راهبردی مصلحتی در شرایطی که مطابق ضوابط اسلام، حکم اصلی جنگ است (یوسفیان و مؤدب، ۱۳۹۴: ۹۵) جایگزین شود، می‌بایست ضوابط حاکم بر آن همانند ضوابط انعقاد معاهده حدیبیه باشد:

۱- با یک برنامه ریزی برای رسیدن به هدف باتوجه به شناخت از منابع و استفاده از امکانات با فرمان‌پذیری از رهبری و ایجاد توانمندی نظامی، پیشنهاد دشمن موردبررسی قرار بگیرد.

۲- معاهده به گونه‌ای تنظیم شود که مدت حکم صلح یا تعهدات تا زمانی که عزت، اقتدار و منفعت مسلمین را در پی داشته و دشمن بدان پایبند باشد، اعتبار یابد.

۳- ابتدا دشمن در حالت دفاعی فرو برده شود؛ یعنی از عوامل بازدارنده به‌خوبی استفاده و نشان داده شود که دشمن در اقدامات قبلی خود ناکام مانده است.

۴- حمایت افکار عمومی از تصمیم مصلحتی به نحوی که مردم در کنار رهبر خود قرار گیرند، عامل دیگر در موفقیت معاهده است؛ اطاعت از رهبری و نشان دادن اتحاد جامعه مسلمین در پذیرش تصمیمات، دشمن را ناامید می‌گرداند.

۵- پارهیز از توجه به منافع فردی و حزبی؛ تنها رسیدن به اهداف حکومت اسلامی یعنی شکستن تحریم‌ها، تأمین امنیت، آزادی و رسمیت بخشیدن به حقوق مسلمین مدنظر قرار گیرد.

۶- توجه به کسب موفقیت بلندمدت و در صورت لزوم گذشت از پیروزی کوتاه مدت.

با توجه به همین ضوابط، هنگامی که مذاکره با دشمنان در جمهوری اسلامی ایران مطرح و بعضاً در بحث مصلحت به قضیه صلح حدیبیه استناد می شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵: بی جا؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۴)؛ باید گفت تنها صلحی را می توان به صلح حدیبیه مستند کرد که فتحی مبین را رقم بزند یعنی در امضای آن به تمامی شرایط توجه داشته باشند. همان گونه که رهبر معظم انقلاب در مورد مذاکرات هسته ای فرمودند: «بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال ها پیش اسم گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی گیری که دارد با حریف خودش کشتی می گیرد و یک جاهایی به دلیل فنی نرمشی نشان می دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار می کنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله ی طرف آن ها کجای مسئله است» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۲/۰۶/۲۶).

شایان ذکر است، از آنجاکه روش هرمنوتیک یک روش غیرتجربی بوده که به پژوهش قابلیت ابطال پذیری می دهد، ارائه شاخصه های مصلحت به منزله تایید آن ها نبوده و این نوشتار همان طور که اولین قرائت از واقعه حدیبیه نیست، آخرین آن هم نخواهد بود.

یادداشت‌ها

۱. قاعده، بر اساس آیات ۴۱، ۴۳ و ۴۴ سوره نساء و حدیث از پیامبر (ص) است (شیخ صدوق: من لایحضره الفقیه، ج ۴: ۳۳۴).
۲. ماکیاولی معتقد بود ممکن است امری از لحاظ اخلاقی درست باشد اما مصلحت نباشد و بالعکس ممکن است امری مصلحت باشد اما از لحاظ اخلاقی درست نباشد. (حقیقت، ۱۳۹۴: ۳۵؛ اسلامی، ۱۳۷۸: ۴۹۷ و ۴۹۸).

منابع

قران مجید.

- ابن منظور (۱۹۹۶م)، **لسان العرب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵)، **سیره النبویه**، ترجمه: رسولی، هاشم، تهران، کتابچی.
- احمدی راد، محمدحسن (۱۳۸۸/۱۱/۰۶)، **غرب مدرن**، غرب بی دینی، **صفحه اندیشه روزنامه رسالت**.
- اخوان کاظمی، بهرام، (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «اصول و کارکردهای دیپلماسی عمومی در سیره نبوی»، **پژوهش‌های سیاست اسلامی**، سال دوم، شماره ۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، «قدرت و مصلحت؛ درآمدی بر فلسفه دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، **متین**، شماره ۳ و ۴.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، **مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی**، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، «دیپلماسی در حکومت پیامبر اکرم (ص)»، **مطالعات تاریخ اسلام**، شماره ۱.
- افتخاری، اصغر. محمدی سیرت، حسین (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «صلح و «سلم» در قرآن کریم»، **دو فصلنامه قرآن و حدیث**، سال ششم، شماره ۲.
- الهامی نیا، علی اصغر (پاییز ۱۳۸۰)، «احکام اولیه، ثانویه و حکومتی»، **مربیان**، شماره ۳.
- آذرنوش، آذرتاش. سلمانی مروست، محمدعلی (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، «زبان قران»، **مقالات و بررسی‌ها**، دفتر ۷۵ (۱).
- آئینه وند، صادق (۱۳۶۲)، **تاریخ سیاسی اسلام**، تهران، دانشگاه تهران.

بادران، حسن (بهمن ۱۳۸۵)، «دیپلماسی نبوی، استراتژی پیامبر در صلح حدیبیه»، **خردنامه**، ویژه‌نامه شماره ۵۰.

برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳)، **تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران**، تهران، سمت.
برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) سیاست به مثابه صراط، تهران، سمت، چاپ دوم.

ترک زهدانی، مصطفی؛ زاده علی، مهدی (تابستان ۱۳۹۱)، «جهاد و جنگ عادلانه؛ بررسی تطبیقی مفهوم جنگ مشروع در اندیشه اسلام و غرب»، **پژوهشنامه دفاع مقدس**، سال اول، شماره ۲.

تقی زاده اکبری، علی (تابستان ۱۳۸۴)، «اصالت جنگ یا صلح از منظر دین»، **فصلنامه حصون**، شماره ۴.

جعفری، یعقوب (بی تا) «صلح حدیبیه»، **مکتب اسلام**، سال پنجاه و پنجم، شماره ۲.
جعفریان، رسول (۱۳۹۲)، **تاریخ سیاسی اسلام (۱) سیره رسول خدا (ص)**، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ نهم.

جعفریان، رسول (۱۳۹۴)، **تاریخ سیاسی اسلام (۲) تاریخ خلفا**، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ دوازدهم.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، **ولایت فقیه**، قم، اسرا، چاپ دوم.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، **انتظار بشر از دین**، قم، مرکز نشر اسرا.
جوادی آملی، مرتضی (۲۰ / ۰۶ / ۱۳۹۵)، **نامه به محمدجواد ظریف**.

جوینی، عزیز الله (فروردین ۱۳۴۶)، «لهجه قریش»، **نامه آستان قدس**، شماره ۲۵.
حق شناس، مرتضی (زمستان ۱۳۹۳)، «عنصر عقلانیت و پیامد پیمان‌های پیامبر اعظم (ص)»، **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی-کلامی**، سال چهارم، شماره ۱۶.

حقیقت، سید صادق (زمستان ۱۳۹۴)، «نقش مصلحت در حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، **اندیشه سیاسی در اسلام**، شماره ۶.

حمیدالله، محمد (۱۳۷۶)، **نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام**، ترجمه: حسینی، محمد. تهران، سروش، چاپ پنجم.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، **انسان ۲۵۰ ساله**، تهران، موسسه ایمان جهادی، چاپ هفتاد و سوم.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۰۶/۰۶)، بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران.
خزائی، احمدرضا (زمستان ۱۳۹۳)، «دیپلماسی پیامبر (ص) و ابزارهای توسعه روابط بین‌الملل با سایر دولت‌ها»، **پژوهشنامه روابط بین‌الملل**، دوره هفتم، شماره ۲۸.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰)، **صحیفه نور**، ج ۱۷، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
طرزجانی، محمود (بهار ۱۳۸۸)، «پانزده سال با چشم انداز یا برنامه راهبردی»، **راهبرد یاس**، شماره ۱۷.

رجبی دوانی، (۱۳۹۲/۱۰/۰۹)، «نمونه عالی نرمش قهرمانانه در پیمان صلح حدیبیه تجلی می‌یابد»، **آستان نیوز پایگاه آستان قدس رضوی**.

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۳)، **تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)**، تهران، سمت، چاپ دهم.

سبحانی، جعفر (۱۳۶۳)، **فروغ ابدیت**، ج ۲ و ۱، قم، نشر ناشر اسلامی.
سبحانی، جعفر (۱۳۶۷)، **مبانی حکومت اسلامی**، ترجمه: موحد، ابوالفضل، اصفهان، انتشارات امیر المومنین.

سبحانی، جعفر (آذر ۱۳۴۵)، «ارزیابی پیمان حدیبیه»، **درس‌هایی از مکتب اسلام**، سال هشتم، شماره ۳.

سعادت، احمد (زمستان ۱۳۸۵)، «مدارای پیامبر اعظم (ص) با مخالفان و دیگران‌دیشان»، **مجله طلوع**، سال پنجم، شماره ۲۰.

سلطانی، اسماعیل (آبان ۱۳۸۸)، «روابط خارجی دولت اسلامی از دیدگاه قرآن»، **معرفت**، سال هجدهم، شماره ۱۴۳.

شهیدی، سید جعفر (۱۳۹۳)، **تاریخ تحلیلی اسلام**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.

شهیدی، سید جعفر (بهار ۱۳۶۸)، «صلح حدیبیه یا فتح المبین»، **فصلنامه مطالعات تاریخی**، سال اول، شماره ۱.

صادقی، ابراهیم (۱۳۹۲/۰۶/۱۶)، «ضرورت فهم مصلحت چیست؟»، **پایگاه تحلیلی برهان**.
صرامی، سیف‌الله (پاییز ۱۳۷۳)، «احکام حکومتی و مصلحت»، **راهبرد**، شماره ۴.

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۶)، **تفسیر المیزان**، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر و خامنه‌ای و دیگران، نسخه الکترونیکی.

عبداللهی، سید محمدعلی (مرداد ۱۳۹۳) «آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی»، **دفتر مطالعات نظام سازی**، پژوهشکده شورای نگهبان.

عبدلوهایی، مرتضی (زمستان ۱۳۸۵)، «محمد از نگاه اندیشمندان غیرمسلمان»، **مجله فرهنگ کوثر**، شماره ۶۸.

علی، جواد (۱۹۷۶ م)، **المفصل فی التاريخ العرب قبل الاسلام**، بیروت، دارالعلم الملايين.
فخاری، حسین. برخوردار، ناصر (زمستان ۱۳۹۲)، «بررسی استراتژی پیامبر اعظم (ص) در صلح حدیبیه بر اساس تحلیل سوات»، **فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، شماره ۱۳.

فقیهی، نفیسه؛ خلجی، علی؛ مهدوی راد، محمدعلی (بهار ۱۳۹۳)، «اصول راهبردی صلح در اسلام»، **سیاست متعالیه**، سال دوم، شماره ۴.

قاسمی حامد، مرتضی (تابستان و پاییز ۱۳۹۲)، «نگاهی به آداب و رسوم دوره جاهلیت از منظر قرآن و تاریخ»، **فصلنامه حبل‌المتین**، دوره دوم، شماره ۳.

قنبری، حشمت‌الله (۱۳۹۲)، **سیری در تاریخ صدر اسلام**، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
قنبری، حشمت‌الله (۱۳۹۴/۰۷/۱۷)، «صلح حدیبیه «بده بستان» پیامبر (ص) با استکبار عرب نبود»، **پایگاه تحلیلی - خبری قدس**.

کازمی نسب (زمستان ۱۳۹۵)، «تدابیر پیامبر اعظم (ص) در حج با تأکید بر صلح حدیبیه»،

فصلنامه تاریخ نو، شماره ۱۷.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، **اصول کافی**، ترجمه: مصطفوی، جواد، تهران، کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.

کیانی، علی‌رضا (اردیبهشت ۱۳۸۱)، «فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک»، **تدبیر**، شماره ۱۲۱. لینگز، مارتین (۱۳۹۳)، **محمد(ص)**، ترجمه: تهرانی‌نسب، سعید، تهران، حکمت، چاپ پنجم. منانت پور، محمدتقی (پاییز ۱۳۹۳)، «نقد دیدگاه مستشرقان درباره غزوات پیامبر(ص)»، **تاریخنامه خوارزمی**، سال دوم، شماره ۱.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۸)، **تحفه آثار تلخیص و ترجمه بحارالانوار**، به کوشش موسسه الضحی، تهران، نیستان.

مسعود، جبران (۱۳۹۲)، **الرائد**، ج ۱ و ۲، ترجمه: انزابی نژاد، رضا، مشهد، به نشر، چاپ هفتم. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، **پرسش‌ها و پاسخ‌ها**، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، **پیرامون جمهوری اسلامی**، تهران، صدرا، چاپ چهارم.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، **قیام و انقلاب مهدی(عج)**، تهران، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، **مسئله شناخت**، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و دوم.

ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۹۳)، **فرهنگ اصطلاحات اصول**، قم، جامعه‌الاصول العالمیه، چاپ دوم.

میر معزی، سید حسین (۱۳۹۷/۰۸/۰۹)، **تفاوت پیشرفت اسلامی با غربی**، پژوهشگاه **فرهنگ و اندیشه اسلامی**.

ناظمیان فرد، علی (بهار ۱۳۹۰)، «سنت حلف و کارکردهای آن در عصر جاهلی»،

مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۸.

نامشخص (مرداد ۱۳۸۵)، «دیدگاه دانشمندان درباره شخصیت پیامبر اعظم (ص)»، **مجله نامه جامعه**، شماره ۲۲.

نیکویی، علیرضا (پاییز ۱۳۸۶)، «دور هرمنوتیکی و نقش آن در مطالعات ادبی، فهم و نقد متون»، **مجله ادب پژوهی**، شماره ۳.

واعظی، اصغر؛ قانلی، اسماعیل (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «سطوح، مؤلفه‌ها و کارکردهای دور هرمنوتیکی»، **نشریه فلسفه**، سال چهل و دوم، شماره ۲.

واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۲)، **المغازی**، ترجمه: مهدوی دامغانی، محمود، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، جلد دوم.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۴)، **اختتامیه دومین همایش گردهمایی سفرا و نمایندگان ایران در خارج از کشور**.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲)، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه: آیتی، محمدابراهیم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم.

یوسفیان، نعمت‌الله؛ مؤدب، سیدرضا (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «مبانی قرآنی نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی»، **اندیشه قرآنی**، شماره ۱.